

در بحث تنظیم‌گری به جای اینکه مسائل را درست شناسایی کرده و آن‌ها را تحلیل ریشه‌ای کنیم و برای عوامل اصلی سناریوی مختلف در نظر بگیریم و به یک جمع‌بندی برسیم، صرفاً یکسری کلیشه‌ها و قواعد کلی داریم که در هر چارچوبی که هست، تعمیم می‌دهیم و اجرامی کنیم. این اتفاق باعث می‌شود حوزه‌های نوآورانه را از بین ببریم

آن جایگاهی که دارد، خود را مسلط‌تر و بالاتر می‌بیند. از طرف دیگر کسب‌وکارها هم به خاطر نبود تجربه موفق در حوزه تنظیم‌گری، بیشتر مانع می‌بینند و این دیدگاه غلطی نیست. دیدگاه ما نسبت به تنظیم‌گری رفتارهایی بود که باعث ایجاد موانع و سخت‌گیری در این حوزه می‌شد. در بحث تنظیم‌گری به جای اینکه مسائل را درست شناسایی کرده و آنها را ریشه‌ای تحلیل کنیم و برای عوامل اصلی سناریوی مختلف در نظر بگیریم و به یک جمع‌بندی برسیم، صرفاً یکسری کلیشه‌ها و قواعد کلی داریم که در هر چارچوبی که هست، تعمیم می‌دهیم و اجرامی کنیم. این اتفاق باعث می‌شود حوزه‌های نوآورانه را از بین ببریم. یکی از مواردی که کسب‌وکارها درباره آن صحبت کرده‌اند، حوزه پرداخت‌بازی بوده است. این حوزه به واسطه قواعدی که برای آن تنظیم شد، مشارکت لایه کسب‌وکار و کسی را که می‌خواست وارد این حوزه شود، خیلی شکل نداد. در خصوص تنظیم‌گری در دنیا چند چارچوب وجود دارد، یکی از آنها بحث تنظیم‌گری خصوصی است که می‌گوید سیاست‌گذار تنظیم‌گری را به دست بخش خصوصی دهد و خود نظارت داشته باشد. حوزه‌ای که به تازگی راجع به آن صحبت شده است، بحث تنظیم‌گری مشارکتی است. این یک لایه بینابینی است که ضمن اینکه تنظیم‌گر حضور دارد و نیازمندی‌ها و دغدغه‌هایش را می‌گوید، بخش خصوصی هم چارچوب تنظیم‌گرانه خود را مطرح می‌کند و مشارکت دوطرفه‌ای صورت می‌گیرد. این نوع تنظیم‌گری درصد موفقیت را بیشتر می‌کند. حاکمیت در این موضوع می‌تواند با کنار گذاشتن نگاه کلیشه‌ای روند را تصریح کند و کسب‌وکارهایی هم که در این حوزه کار می‌کنند فعالانه حضور داشته باشند. در این حوزه هم مثل بحث همکاری بانک‌ها با لندتک، رویه در حال بهبود است، اما راهی طولانی در پیش داریم و دوطرف باید کمک کنند تا موضوع به طور کلی برطرف شود.

از نظر شما می‌توان گفت بزرگ‌ترین چالشی که در خصوص توسعه لندتک با حاکمیت وجود دارد، حفظ محرمانگی اطلاعات است؟

یکی از چالش‌ها بحث‌های داده‌ای است. در حوزه لندتک، بحث اعتبارسنجی از اهمیت بالایی برخوردار است؛ با این حال، در حوزه داده کشور بلاتکلیف است که داده‌های مردم آیا می‌تواند در اختیار کسب‌وکارها قرار گیرد و اگر می‌شود، سازگاریش چیده شود. در پلتفرم‌های بانکداری باز، زیرساخت‌هایی را شکل دادند که مشتری یا کاربر به کسب‌وکار اجازه می‌دهد که به اطلاعات دسترسی پیدا کند. این در دنیا سابقه مفصلی دارد اما در حوزه دولت الکترونیک و مواردی که داده‌های مردم در اختیار دولت است، مشکل داریم و به سختی می‌توانیم به آن داده دسترسی پیدا کنیم. ما هنوز هم تکلیف مالکیت اطلاعات را مشخص نکرده‌ایم. برخی‌ها می‌گویند مالکیت داده متعلق به سیاست‌گذار است و برخی می‌گویند متعلق به کاربر است. حفظ محرمانگی اطلاعات یکی از چالش‌ها در این حوزه می‌تواند باشد اما اصلی‌ترین موضوع نیست.

اصلی‌ترین چالش چیست؟

تنظیم‌گری را می‌توان چالش اصلی قلمداد کرد. بحث عدم مداخلات در روابط بین بازیگران که آن هم به موضوع تنظیم‌گری مربوط است. به طور کلی تنظیم‌گر هر جایی که وارد شود و بخواهد دستوری شکلی از قواعد را حاکم کند، آنجا را به هم می‌ریزد.

آیا امکان پذیر است که علاوه بر توسعه شبکه لندتک، دغدغه‌های حاکمیت نیز در این خصوص حفظ شود؟

حاکمیت دغدغه‌های مختلفی همچون بحث داده‌ها، نرخ سود یا کارمزد دارد. علاوه بر اینها، خطوط قرمزی هست مانند عدم سپرده‌گیری یا فعالیت‌هایی که نیاز به مجوز بانکی دارد. ارائه انواع اعتبار یا تسهیلات هم از حوزه‌هایی است که بر اساس قانون نیازمند مجوز است. عدم ورود در حوزه ارزی، مواردی است که در بانک مرکزی و همه چهارچوب‌های حاکمیتی تنظیم‌گر وجود دارد. در یک فرایند دوطرفه باید برای این موضوع راهکاری پیدا کرد. همان طور که توسعه این حوزه را باید مدنظر قرار دهیم، دغدغه‌ها را نیز باید پوشش دهیم؛ در غیر این صورت شاید بایک سد عدم فعالیت‌ها مواجه شویم. موضوع خودتنظیم‌گری خیلی وقت است در دستور کار اکثر کسب‌وکارها قرار گرفته است. در واقع پیش از اینکه تنظیم‌گر قواعدی را وضع کند، کسب‌وکارها وارد شدند تا از مشکلات آتی جلوگیری کنند و ریسک‌های کسب‌وکاری خود را کاهش دهند. این کار در راستای منفعت آنها است. یک کسب‌وکار وقتی می‌خواهد در حوزه نوآورانه کار کند، نمی‌خواهد سرمایه‌ای را که در آن حوزه انجام می‌دهد، از دست بدهد بلکه می‌خواهد سرمایه‌گذاری نتیجه دهد و این خودتنظیم‌گری کمک می‌کند که ریسک‌های خود را کاهش داده، جذب سرمایه کند و فعالیتش را توسعه دهد. یکی از دغدغه‌های تنظیم‌گر این است که اگر تعدادی کسب‌وکار طرف حساب او قرار بگیرند، ممکن است تضاد منافع شکل بگیرد، اما چهارچوب‌های صنفی به خاطر شمولیت‌هایی که دارند و تضاد منافع کمتری که دارند، می‌توانند مدیریت کرده و به تنظیم‌گر کمک کنند تا دغدغه‌های آنها هم پوشش داده شود.

اگر نکته‌ای باقی مانده است، بفرمایید.

در پنج سال اخیر رویه و مسیر تنظیم‌گری بیشتر به سمت تعامل رفته است. قرار دادن چهارچوب‌هایی توسط بانک مرکزی عملاً ایجاد یک راه تعامل دوطرفه است که کسب‌وکارهایی که نوآورانه‌تر هستند و ریسک بیشتری دارند، از این طریق ارتباط برقرار کنند. اینها نشانه مثبتی است که می‌توان اشاره کرد.

بحث اصلاح نظام کارمزد که شاید مستقیماً به لندتک مرتبط نباشد اما همه اکوسیستم نوآوری و فناوری مالی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، یکی از خواسته‌هایی است که سال‌هاست توسط بخش خصوصی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری به عنوان یک دغدغه طرح می‌شود. این اتفاقی که افتاد و چهارچوبی که به مرحله تصویب و ابلاغ درآمد، موضوع مهم و مثبتی است، اما این شروع یک سری روند است و نیاز به یک مسیر تعاملی طولانی و پیوسته در این حوزه وجود دارد.

ما باید دیدگاه خود را اصلاح کنیم که یک موضوعی را حل می‌کنیم و به نظرم تمام می‌شود. در صورتی که به علت در حرکت بودن حوزه فناوری، باید این مسیر ادامه داشته باشد و دوطرف پای کار باشند که بتوانند اگر دغدغه و مسأله جدیدی رخ داد، پاسخ مناسبی برای آن داشته باشند.

بحث اقتصاد دیجیتال به عنوان یکی از اولویت‌ها مورد توجه ماست، اما آیا مجموع سیاست‌هایی که اتفاق می‌افتد، در راستای توسعه اقتصاد دیجیتال است؟ مسائل ما در سیاست کلان کشور زیاد است و شاید مسائل اقتصاد دیجیتال گم شود، اما اگر به دنبال حل مشکلات این حوزه هستیم باید به عنوان شاخصه اصلی در نظر بگیریم و به مسائل آن توجه کنیم.